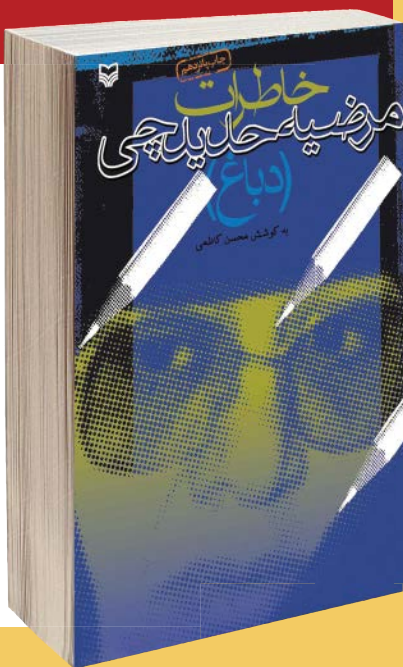


مبارزه زنانه

خانم دباغ یکی از زنانی است که او را با فعالیت‌هایش می‌شناسند. او نشان داد جنسیت عامل بسته شدن مسیر نیست و می‌توان زن بود و پایه‌پای سایر مبارزان در میدان حضور داشت و خسته نشد. این تصویری است که از کتاب خاطرات مرضیه حدیدیچی (مشهور به دباغ) به خواننده منتقل می‌شود و یکی از زنانی بود که طعم بازداشتگاه کمیته مشترک ضدخرابکاری را نیز چشیده بود و در خاطراتش نیز آن را به خواننده منتقل می‌کند. آنچه در این خاطرات متفاوت است همان جنس راوی است. هرچند بالاتر گفته شد او ثابت کرد مبارزه، زن و مرد ندارد ولی وقتی پای شکنجه و آزار و اذیت در میان باشد هیچ عقلی نمی‌پذیرد که دست به تقسیم‌بندی جنسیتی نزند ولی امثال دباغ ثابت کردند در این ماجرا هم باید از چنین کاری اجتناب کرد زیرا آنها پایه‌پای مردان در بازداشتگاه و حتی در شرایط بدتری روزگاری گذراندند. کتاب شرحی است از روزهای مبارزه و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تا سفر به مسکو همراه با تیم ابلاغ پیام امام خمینی (ره) به گورباچف. خواننده در این کتاب زوایای مختلف از حضور یک زن را در جامعه می‌تواند به تماشا بنشیند.



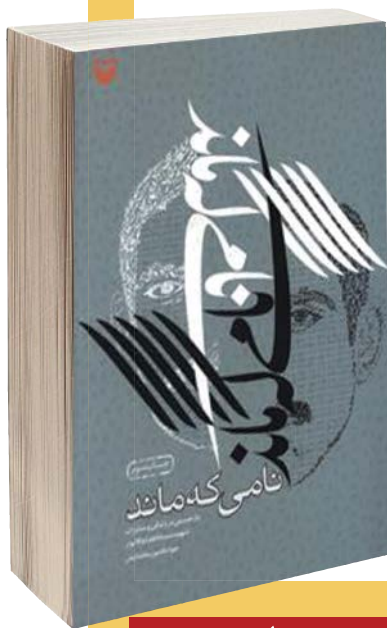
زنان انقلابی از زندان‌های پهلوی

سای ستم

که به خاطر تکرار بسیار زیاد نام‌هایشان تبدیل به کلیشه‌هایی ثابت برای شکنجه و شکنجه‌گر شده‌اند. با این حال بر این باوریم که باید بارها این اسامی و این خاطرات مرور شود تا ضمن اینکه فراموش نشوند، هر روز هم مخاطبان تازه‌تری را با زوایای این بخش از تاریخ معاصر نیز آشنا کنیم. کتاب‌هایی که در آنها می‌توان اسامی بسیاری از افراد مشهور و گمنام را دید و در کنارشان در گوشه سلول تاریک کمیته مشترک ضدخرابکاری شاهد «خزان خودکامه» باشیم. کتبی که برخی به صورت روایت اول شخص و برخی نیز روایت سال‌های زندان و اسارت را در کنار هم دارد و در مجموعه پازلی بزرگ از شکنجه و مبارزه را در برابر دید خواننده ترسیم و تکمیل می‌کند. کتاب‌هایی که گاهی سیر مبارزه یک شخص را بازگو می‌کند که در بخشی از آن به روزهای اسارت اشاره دارد و نشان می‌دهد رفتارها و برخوردها به اتهام مخالفت با رژیم به چه شکل بوده و گاهی نیز مجموعه‌ای از خاطرات روزهای اسارت افراد مختلف را بازگو می‌کند. زندان‌هایی که باید از آنها به عنوان موزه‌های مشاهیر مبارزه یاد کرد و فراموش نکرد در سال‌های نه خیلی دور افرادی بر سر آرمان خویش پافشاری کردند و از هیچ شکنجه و اذیت و آزاری نترسیدند تا دیو سیاه ظلم را از کشور بیرون کنند.

عملیات در زندان

چریک و مهندس، این دو عبارت‌هایی است که برای معرفی سیدمحمدکاظم ذوالانوار معروف به شهید ذوالانوار، از آنها استفاده می‌شود. او یکی از کادرهای مرکزی سازمان مجاهدین خلق پیش از تغییر مرام و ایدئولوژی است که سال ۵۴ در تپه‌های اوین به ضرب گلوله اعدام شد. کتاب «نامی که ماند» روایتی است از زندگی این مبارز که سال‌ها به صورت مخفی زندگی می‌کرده و در سال‌های ابتدایی دهه ۵۰ توسط ساواک شناسایی و بازداشت شد و سپس در سال ۵۴ به قتل رسید. زندگی پرفراز و فرود او در مسیر مبارزه در این کتاب به روایت اسناد به‌خوبی بازگو شده است. او طراح و مجری چند عملیات مسلحانه از جمله انفجار در روز ورود نیکسون به ایران در سال ۵۱ است. ورودش به زندان پایان فعالیت‌هایش نبود، ترور سرگرد منصور زمانی، رئیس زندان سیاسی قصر، ترور علیقلی نیک‌طبع، شکنجه‌گر کمیته و تیمسار رضا زندی‌پور، رئیس کمیته مشترک ضدخرابکاری، اتفاقاتی بودند که با هماهنگی‌های او از داخل زندان اتفاق افتادند. ذوالانوار همچنین در زندان قصر رهبری زندانیان سیاسی در بندهای ۴، ۳ و ۵ را نیز به عهده داشت و تمام اینها در کتاب بازتاب دارد و نشان می‌دهد او با هدف برهم‌زدن نظم زندان و شکنجه‌گاه ساواک وارد زندان شده که تمام این نکات مایه اعدام او در ارتفاعات اوین شد. این کتاب روایتی است از بازداشتگاه و زندان ساواک که ذوالانوار در آن دست به هماهنگی و عملیات می‌زد.



می‌کنند

خاطرات‌شان از آنها نام برده‌اند. افرادی روشی برای شکنجه کوتاه می‌کردند و اعترافات دو نفر از شکنجه‌گران ساواک

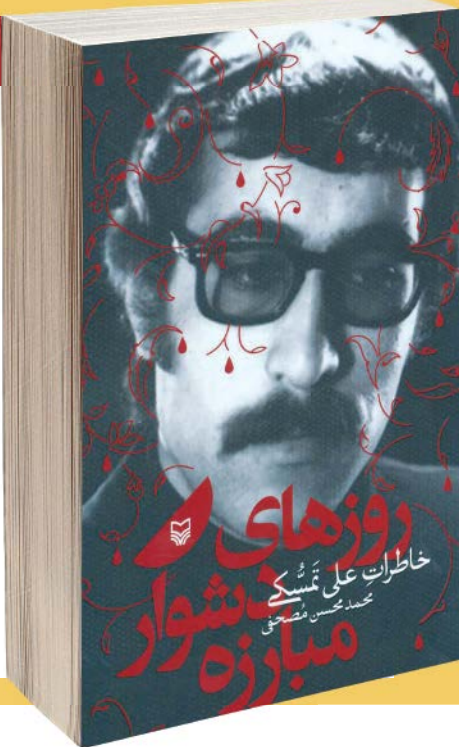
ند که قساوت‌شان در خاطر کسانی که براساس مستندات و اعترافات این ساواک بیان شده و حکم مهر تایید بر

اننده را با موضوعات گوناگون مرتبط با در ایران روش ساواک هم برای حذف سوغات را باور نمی‌کنند اثر قانع‌کننده‌ای



مبارزه در شهرستان

راوی، علی تمسکی، تصویری خواندنی و قابل لمس از سرگذشت جوانان و نوجوانان ایرانی در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی را روایت کرده است. خاطرات علی تمسکی تصویری از مجالس مذهبی و محافل و شبکه‌های ارتباطی که در شکل دادن به افکار جوانان در آن دوران نقش مهم داشتند در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند، علاوه بر این راوی کتاب شرایط سیاسی، مذهبی و اجتماعی شهر زادگاه خود، همدان را به روشنی برای مخاطب تشریح می‌کند. همچنین از دیگر نکات برجسته این اثر روایت نسبتاً مشروح او در توصیف شرایط شکنجه و زندان‌های حکومت پهلوی، کیفیت زندگی و برنامه‌های روزمره زندانیان، تعامل زندانیان با یکدیگر و اولیای زندان و نیز اختلافات و مرزبندی بین زندانیان سیاسی است. اثری که می‌تواند برای علاقه‌مندان در این عرصه روایتی متفاوت و البته نسبتاً تازه از روزهای مبارزه را در خود داشته باشد. روایتی که نشان می‌دهد مبارزه و درگیری نه فقط در تهران بلکه در سراسر کشور جریان داشته و هرکس با هر مرامی پا در میدان مبارزه با استبداد پهلوی گذاشته بود.



روایتی پر از جزئیات

می‌توان مشهورترین کتاب خاطرات روزهای زندان و مبارزه دانست. لقب پرفروش و صفت عالی «ترین» به آن شاید کار دقیقی نباشد ولی نیست اگر بگوییم این کتاب یکی از آثار مهم در تاریخ معاصر در زمینه‌های مبارزات پهلوی است. کتبی که خاطرات چالش‌برانگیز آن توانست باری به خود جلب کند و همچنان یکی از آثار مهم در زمینه تاریخ مبارزات اسلامی است.

رات عزت‌شاهی» را باید از نمونه‌های موفق تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی دانست. که بعد از انقلاب فامیلش را به «مطهری» تغییر داده، در این کتاب شرح بازداشت و شکنجه خود را با جزئیات فراوان بازگو کرده و کوشش کرده روایتی از شکنجه‌ها و شکنجه‌گران ساواک برای تاریخ به‌جا بگذارد.

در بخشی که خاطرات بازداشتگاه خود را بیان می‌کند به قدری با جزئیات به ت و مشاهداتش می‌پردازد که نفس هر خواننده‌ای را بند می‌آورد. خاطراتی که در یکی از تکان‌دهنده‌ترین روایت‌های موجود از ساواک است. چهره‌های مختلف خاطرات او حضور دارند و روایت عزت‌شاهی مکملی بر آینده به‌وقوع پیوسته جریان‌های بعد از انقلاب محسوب می‌شود.